

مهم‌ترین تحولات آسیب‌های اجتماعی در کشور

سعید صادقی جقه*

اشاره:

شاخص‌ها و نرخ‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه، معیارهایی هستند که می‌توان با استفاده از آنها، سطح برخورداری جامعه از امنیت اجتماعی را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. همچنین، با بهره‌گیری از این شاخص‌ها می‌توان میزان موفقیت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و یا ضعف آن برنامه‌ها را تشخیص داده و برنامه‌های مناسبی برای مواجهه مناسب با اقصشار در معرض آسیب تهیه کرد. در این نوشتار، برخی از مهم‌ترین تحولات و روندهای مربوط به آسیب‌های اجتماعی در کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

آسیب اجتماعی عبارت است از هر نوع عمل فردی یا جمعی که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه قرار نگرفته و به عنوان کج‌روی تلقی می‌شود. آسیب‌های اجتماعی موجب ایجاد و یا احساس ناامنی فردی و اجتماعی شده و نتیجتاً کارکردهای اجتماع را با اختلال مواجه می‌کنند. اگرچه این آسیب‌ها با شدت و ضعف و انواع مختلف در همه جوامع به چشم می‌خورد و قابل ریشه کنی نیستند، اما شناخت، پیش، مدیریت و کنترل شاخص‌ها، عوامل و فرایندهای آنها جزو یکی از مهم‌ترین اولویت‌های همه دولت‌ها به شمار می‌رود، چراکه این شاخص‌ها ارتباط مستقیمی با احساس امنیت اجتماعی دارند. در واقع، می‌توان گفت امنیت اجتماعی تابعی از میزان آسیب‌های اجتماعی است. برخی آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر یا طلاق که بر اساس منشاء و خاستگاه‌شان، ساختارمحور نامیده شده، ریشه در کارکرد نامناسب نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه داشته و از نظر قانونی جرم محسوب نمی‌شوند. در مقابل، برخی دیگر از آسیب‌های اجتماعی نظیر سرقت، قتل، جرائم سازمان‌یافته یا قاچاق مواد مخدر که فاعل محور هستند، از نظر قانون جرم محسوب شده و برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است. در این نوشتار، ضمن بررسی روند تحول برخی از مهم‌ترین شاخص‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی در کشور، به پیامدهای اجتماعی و امنیتی احتمالی مرتبط با آنها اشاره خواهد شد.

اعتیاد

اعتیاد یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی کشور است که به علت دخیل بودن مجموعه پرشماری از مؤلفه‌ها در شیوع آن، مواجهه و مبارزه با آن با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های زیادی همراه است. مقوله اعتیاد و مبارزه با آن از این جهت پیچیده است که دیدگاه‌های مختلفی درباره مجرم یا بیمار بودن معتادان وجود دارد، اما در عین حال، بسیاری از دیگر آسیب‌های اجتماعی نظیر طلاق، کودک‌آزاری، سرقت و قتل نیز به خاطر اعتیاد و توسط معتادان انجام می‌شود. طبق آمارها و گزارش‌های مکرر مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر، در حال حاضر حدود ۶۵ درصد همسرآزاری‌ها، ۵۵ درصد طلاق‌ها، ۳۰ درصد کودک‌آزاری‌ها، ۲۵ درصد قتل‌ها و ۲۵ درصد نزاع‌ها و خشونت‌ها با استعمال مواد مخدر در ارتباط بوده و حدود ۷۰ درصد از زندانیان کشور نیز به موضوع مواد مخدر مربوط می‌شوند. به همین دلیل است که بر اساس یافته‌های نظرسنجی‌های مختلف، اولین نگرانی مردم در حوزه آسیب‌های اجتماعی، مسئله اعتیاد است. در همین راستا و بر اساس تازه‌ترین گزارش مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر از جمع‌آوری معتادان، روزانه به طور میانگین ۷۵۶ نفر از معتادان دستگیر و از آن میان، ۱۷۷ نفر زندانی می‌شوند. بر اساس برآورد اعلامی دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور (خردادماه ۱۳۹۴) مواد مخدر سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان به اقتصاد ایران لطمه می‌زند.

بنا بر تازه‌ترین آمارهای سازمان ملل، هم‌اکنون حدود ۲۴۶ میلیون مصرف‌کننده مواد مخدر در جهان وجود دارد که اکثر آنها، یعنی بیش از ۶۰ درصد، به مصرف حشیش مبادرت می‌کنند. بر اساس گزارشی که قائم مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور در شهریورماه ۱۳۹۴ در جلسه شورای شهر تهران ارائه کرد، در حال حاضر سهم ایران از این رقم، یک میلیون و ۳۲۵ هزار معتاد است که ۹۰ درصد این تعداد را مردان تشکیل می‌دهند. البته، باید خاطر نشان شود که بسیاری از کارشناسان این حوزه، با اشاره به کارهای

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

تحقیقاتی در مورد شیوع شناسی اعتیاد در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۲، آمار رسمی را بسیار احتیاط‌آمیز و حداقلی دانسته و تعداد واقعی معتادان کشور را بیش از ۳ میلیون نفر برآورد می‌کنند. در خصوص الگوی ماده مخدر مصرفی در ایران باید گفت که تریاک با ۵۵ درصد و شیشه با ۲۶ درصد بیشترین میزان مصرف را به خود اختصاص داده‌اند. البته، باید خاطر نشان کرد که مصرف شیشه که در عرض ۸ سال گذشته از ۳ درصد به ۲۶ درصد رسیده بود، در حال حاضر به علت کاهش دسترسی به مواد پیش‌ساز آن از ۷۰ تن به ۷۰ تن، موجب افزایش ۷۰ درصدی در قیمت آن شده و مصرف این ماده مخدر صنعتی را کاهش داده است؛ هر چند کاهش این گونه دسترسی‌ها در عمل تأثیر چندانی در کاهش میزان اعتیاد نداشته و صرفاً مصرف را از یک ماده به ماده‌ای دیگر سوق می‌دهد که در این مورد نیز، به موازات افزایش قیمت شیشه، مصرف هروئین در حال افزایش بوده است.

طبق برآوردها و نیز گزارش‌های مختلف مسئولان دفتر سلامت، جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت، معتادان کشور حدود شش میلیون نفر از شهروندان را در مسائل مربوط به اعتیاد درگیر ساخته‌اند. بر اساس آخرین آمارها از سوی مسئولین ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیز وزارت بهداشت، ۵۳ درصد معتادان شاغل بوده و ۶۳ درصد از آنها نیز متأهل هستند که این آمار بیانگر افزایش میزان اعتیاد در میان شاغلان و متأهلان است. مشاور وزیر کشور در امور بانوان و خانواده نیز در آبان ۱۳۹۴ ضمن اشاره به آمار ۶۰ درصدی معتادان متأهل، نهاد خانواده را در ایران در معرض این آسیب دانست. نکته قابل تأمل اینکه پیش از این تصور می‌شد تأهل بتواند نقش بازدارنده‌ای در اعتیاد به مواد مخدر ایفاء نماید. متأهل بودن بخش اعظمی از معتادان زمینه‌ساز آسیب‌های خانوادگی مختلف در کشور است. به عنوان مثال، بر اساس برآوردها و آمارهای مختلف، حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از کودکان کشور در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که در آنها یکی از والدین معتاد است. از سوی دیگر، در حالی که پیش از این رئیس اداره پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد مخدر وزارت بهداشت از تولد سالانه ۷۰ هزار نوزاد معتاد در کشور خبر داده بود، رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران نیز در مهرماه ۱۳۹۴ اعلام کرد که روزانه دو نوزاد معتاد در تهران متولد می‌شود. نکته قابل تأمل اینکه، در سال‌های قبل، تعداد این گونه ولادت‌ها سه تا چهار نوزاد معتاد در هر ماه بوده است. اگرچه ستاد مبارزه با مواد مخدر هنوز این آمار را تأیید نکرده، اما این موضوع به اندازه‌ای جدی بوده است که در آبان ۱۳۹۴ قائم‌مقام این ستاد از ضرورت و برنامه‌ریزی برای تأسیس مرکز ویژه نوزادان معتاد در پایتخت خبر دهد. ابتلا به بیماری‌های خطرناک و مرگ و میر ناشی از مصرف مواد مخدر، یکی دیگر از معضلات مرتبط با اعتیاد است. بر اساس آمارهای مختلف،

در حال حاضر، در هر هشت ساعت یک ایرانی به علت سوء مصرف مواد فوت می‌کند و آمار مرگ و میر معتادان در کشور در حاضر با افزایش حدود ۵ درصدی مواجه است؛ به طوری که بر اساس اعلام پزشکی قانونی کشور در مردادماه ۱۳۹۴، تلفات سوء مصرف مواد از ۶۳۲ نفر در ۳ ماهه نخست سال ۱۳۹۴، به ۶۶۶ نفر در ۳ ماهه نخست سال ۱۳۹۴ رسید. در این میان، استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان به ترتیب بیشترین آمار تلفات را به خود اختصاص داده‌اند. نکته نگران‌کننده در این خصوص آن است که به رغم روند کاهشی میزان مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد در کشور از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲، این پدیده از سال ۱۳۹۳ روندی افزایشی گرفته و میزان آن در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال قبل یک درصد رشد داشته است. توجه به ساز و کارهای کاهش آسیب یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای کاهش بیماری و مرگ و میر ناشی از اعتیاد است؛ به طوری که با افزایش تعداد مراکز کاهش آسیب در سطح کشور به ۲۰۰ مرکز، میزان ابتلا به ایدز به خاطر استفاده از سرنگ‌های مشترک، از ۶۷ درصد به ۴۵ درصد کاهش یافته است.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های راهبردی اعتیاد برای هر کشور، عبارت است از پیامدهای ناگواری که نظام اقتصادی و ساختار جمعیتی کشور متحمل می‌گردد. بر اساس آمارها و برآوردهای مختلف، حدود ۵۸ درصد از معتادان کشور در سن پایین‌تر از ۳۵ سالگی قرار دارند. بدیهی است اعتیاد این دسته از شهروندان، نه تنها جامعه را از نیروی کار و خلاقیت آنها محروم می‌سازد، بلکه بسیاری از منابع کشور را نیز برای پیش و کنترل آنها به خود اختصاص می‌دهد. از سوی دیگر، چون محدوده سنی مزبور بهترین سن باروری نیز می‌باشد، عامل اعتیاد باعث می‌شود این دسته از شهروندان از توان فرزندآوری دور باشند و در صورت فرزندآوری نیز، نوزادان معتاد را به جمعیت کشور اضافه نمایند.

(چهار دهم) درصد از ۱۲ میلیون دانش آموز کشور (حدود ۵۰ هزار نفر) خبر داده بود. قائم مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز اعلام کرده بود که ۴ درصد دانش آموزان کشور دست کم یک بار شیشه مصرف کرده‌اند؛ ضمن اینکه مصرف سیگار و قلیان نیز در بین دانش آموزان دبیرستانی رو به رشد بوده و به امر مشهود تبدیل شده است. مصرف روان گردان‌ها و مواد مخدر دارویی نیز به ویژه در میان دانشجویان خوابگاهی تا حد زیادی رواج داشته و دانشجویان دختر بیشتر از پسران به مصرف این مواد روی می‌آورند. در همین ارتباط، در شهریورماه ۱۳۹۴ نیز مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر از اعتیاد ۱۱ درصد دختران و ۹ درصد پسران به داروهای مخدر در دانشگاه‌های دولتی خبر داد. بر اساس گزارش وی، در حال حاضر، ۳۰ درصد پسران و ۱۲ درصد دختران در این دانشگاه‌ها سیگار و قلیان مصرف می‌کنند که عصبانیت، پر خاش گری، عدم پابندی به مذهب، افسردگی، هیجان طلبی و کمبود اعتماد، از جمله مهم ترین دلایل زمینه‌ای این امر عنوان شده است.

بر پایه گزارش‌های بین‌المللی، حدود نیمی از سود جرایم سازمان یافته در دنیا با قاچاق مواد مخدر در ارتباط بوده و تأمین کنندگان عمده مواد مخدر علاوه بر قاچاق این مواد، در جرایم دیگری نظیر پول شویی دست داشته و هر جا لازم باشد و بتوانند، از اقدامات مسلحانه و یا تروریستی نیز ابایی ندارند. بر اساس برآورد اعلامی از سوی قائم مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور (شهریور ۱۳۹۴)، قاچاقچیان ایرانی مواد مخدر سالانه بیش از ۳ میلیارد دلار از ۵۰۰ میلیارد سود جهانی را به خود اختصاص می‌دهند. اگر تلاش مداوم قاچاقچیان برای دستیابی به مراکز و نهادهای تصمیم‌سازی را در نظر آوریم، این جنبه از موضوع اهمیت بیشتری یافته و وظیفه سازمان‌ها و نهادهای نظارتی را در ارزیابی منشاء هزینه کردهای مالی فعالان سیاسی در بزنگاه‌هایی نظیر انتخابات خطیر تر می‌سازد.

فقدان همکاری مؤثر سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای هم‌جوار از یک سو و تولید ۷۰۰۰ تن مواد مخدر و ۷۵۰ تن هروئین در کشور افغانستان که بر اساس گزارش قائم مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۳۰ درصد آن وارد ایران شده و مصرف، ترانزیت و یا کشف می‌شود، کار مقابله با قاچاق را بسیار دشوار می‌سازد. با توجه به اینکه، به رغم تلاش‌های بسیاری که در خلال سال‌های اخیر برای تحت کنترل درآوردن مرزها صورت گرفته، هنوز ۲۰۰ کیلومتر از ناحیه مشترک ایران و افغانستان با خلأ مرزی مواجهه است، کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی اعتیاد نیازمند اتخاذ رویکردهای اجتماع‌محور و استفاده بیشتر از ظرفیت تشکل‌های مردمی در بازپروری معتادان باشد؛ هر چند با توجه به اعتیاد مجدد بیش از ۶۰ درصد معتادان درمان یافته به علت بی‌خانمانی یا بیکاری، به نظر می‌رسد معضل

تغییرات مداوم در الگوی جنسی مصرف مواد مخدر و زنانه‌تر شدن آن در کشور یکی از مهم‌ترین جوانب راهبردی سیاست‌گذاری در این حوزه است. بر اساس آمارهای مختلفی که به تازگی از سوی مسئولین ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیز معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده منتشر شده، در حال حاضر حدود ۱۰ درصد (۱۳۰ هزار نفر) از معتادان کشور رازنان تشکیل می‌دهند. نکته قابل ذکر اینکه این میزان در سال‌های اخیر در حال افزایش است، به طوری که طبق اعلام مشاور دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر در امور زنان و خانواده، شیوع اعتیاد در بین زنان در سال‌های اخیر افزایش دو برابری داشته و از ۵ درصد کل معتادان، به ۱۰ درصد رسیده است. تبعات این افزایش در قالب‌های مختلفی آشکار می‌شود که به عنوان مثال، می‌توان به افزایش میزان مرگ و میر زنان معتاد در عرض دو سال گذشته اشاره کرد؛ به این صورت که به رغم افزایش یک درصدی آمار کلی مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال قبل، این رقم برای زنان بیش از ۲۸ درصد افزایش یافته است. گرایش زنان و دختران به مواد محرکه روان گردان نیز به طور نگران‌کننده‌ای افزایش داشته که مقابله با آن به خاطر سوگیری شدیدتر و منفی‌تر جامعه نسبت به اعتیاد زنان و دختران، دشوارتر از مقابله با اعتیاد در میان مردان است. در هر حال باید توجه داشت که اعتیاد زنان، در میزان اندک نیز می‌تواند آثار مخربی در تربیت کودکان یا افزایش انواع خشونت‌های خانگی داشته باشد، چراکه به علت ساختارهای فرهنگی و اجتماعی موجود، احتمال طرد شدن از خانواده و کشیده شدن زنان معتاد به سمت رفتارهای پرخطر جنسی بسیار بیشتر از مردان است.

در خصوص تغییر الگوی سنی مصرف مواد مخدر، می‌توان به گفته‌های چندی پیش وزیر آموزش و پرورش اشاره کرد که از اعتیاد ۰/۴

اعتیاد فقط از طریق مبارزه شدیدتر و کارآمدتر با قاچاق مواد مخدر به سرانجام خواهد رسید.

ازدواج و طلاق

نهاد خانواده نقشی انکارناپذیر در تقویت و حفظ انسجام اجتماعی دارد و از این رو، آمارهای مربوط به ازدواج و طلاق یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش انسجام اجتماعی، احساس امنیت عمومی و نهایتاً آمادگی جامعه برای کنترل و مقابله با سایر آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. طلاق اگرچه تحت عنوان پایان‌دادن به زندگی مشترک ناموفق و رهایی از اختلاف‌ها و تنش‌های خانوادگی روی می‌دهد، اما واقعیت این است که در اغلب موارد زمینه را برای بروز آسیب‌های مختلف فراهم کرده و از آسیب فردی به آسیبی اجتماعی تبدیل می‌شود. براساس تازه‌ترین آمارهای اعلامی از سوی سازمان ثبت احوال کشور در شهریورماه ۱۳۹۴، در شش ماهه اول سال جاری حدود ۳۵۰ هزار مورد ازدواج به ثبت رسیده است. براساس همین آمار، در حالی که مابین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ میزان ازدواج سالانه به طور متوسط حدود ۶/۵ درصد رشد منفی داشت، این میزان در شش ماهه نخست سال جاری از رشد مثبت ۱/۳ درصدی برخوردار شده است. در حال حاضر، میانگین سن ازدواج برای مردان ۲۸ سال و برای زنان ۲۳ و نیم سال است که این میانگین در برخی استان‌ها نظیر تهران بالاتر از میانگین کشوری بوده و روند صعودی هم دارد.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۴، حدود ۸۰ هزار مورد طلاق به ثبت رسیده، می‌توان گفت در حال حاضر به طور متوسط از هر ۱۰۰ ازدواج حدود ۲۳ مورد به طلاق می‌انجامد. بنابراین، در حالی که میزان ازدواج فقط حدود ۱/۳ درصد افزایش یافته، میزان طلاق در کشور ۸۷ درصد افزایش داشته است. البته، باید خاطر نشان گردد که این میزان در کلان‌شهرها بالاتر از میانگین کشوری است، به طوری که به گفته معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، در تهران حدود یک‌سوم ازدواج‌ها در ۵ سال اول زندگی مشترک به طلاق منجر می‌شود. این آمار وقتی قابل تأمل تر می‌شود که توجه کنیم براساس آمارهای موجود، میزان طلاق از ۹۴ هزار مورد در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱۶۴ هزار مورد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته و نشانه‌ای از تثبیت یا کاهش این روند نیز مشاهده نمی‌شود. صرف نظر از این آمارهای مقایسه‌ای از ازدواج و طلاق، یکی دیگر از شاخص‌های آسیب‌زا، به بالا رفتن سن ازدواج و تأخیر در تشکیل خانواده مربوط می‌شود. در حال حاضر بیش از ۱۱ میلیون دختر و پسر ایرانی در سن ازدواج قرار دارند که از این رقم، تعداد دختران و پسران تقریباً برابر است. نکته قابل تأمل اینکه از حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفری که سن

متعارف ازدواج را پشت سر گذاشته‌اند، فقط ۳۲۰ هزار نفر به مردان مجرد تعلق داشته و نزدیک به یک میلیون نفر به زنان اختصاص دارد. با توجه به روال موجود در جامعه و ترجیح عموم مردان برای ازدواج با زنان هم‌سن خود و یا کوچک‌تر از خود، آمار مزبور می‌تواند به این معنا باشد که این گروه از زنان فرصت و زمینه ازدواج را برای همیشه از دست داده‌اند. بدهی است با توجه به تمایل اکثریت زنان به ازدواج از یک طرف و لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و جنسی از طرف دیگر، تأخیر در ازدواج یا کاهش احتمال ازدواج برای قشر عظیمی از زنان، آنها را در معرض هنجارشکنی و ارتکاب انواع جرایم قرار می‌دهد. طبق گزارش‌های مسئولین کارگروه پیش‌گیری از طلاق و آسیب‌های تحکیم و تعالی خانواده قوه قضائیه و براساس تحقیق ملی انجام‌شده بر روی پرونده‌های مختومه، اعتیاد به مواد مخدر، دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، تنفر و بی‌علاقگی و سوء ظن به همسر علل اصلی درخواست طلاق بوده‌اند که آنها نیز خود برآمده از علت‌های زمینه‌های نظیر فقر، ازدواج تحمیلی، بیکاری همسر، اختلاف فرهنگی، ازدواج مجدد زوج، ارتباطات نامشروع همسر، تفاوت سنی، انحراف جنسی یکی از زوج‌ها و اختلالات جنسی بوده‌اند. با توجه به اینکه حدود ۸۰ درصد مطلقه‌ها زیر ۳۰ سال سن دارند، می‌توان نتیجه گرفت بسیاری از خانواده‌ها بر مبنایی سست شکل می‌گیرند و زوجین پیش از شناخت لازم و صرفاً با آشنایی جزئی که اغلب از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی یا دوستی‌های خیابانی شکل می‌گیرد، در فضایی غیر واقعی اقدام به تشکیل زندگی مشترک می‌کنند که مشورت و نظر خانواده‌ها نیز در آن چندان نقشی ندارد. در حالی که فقدان سامانه مناسب و نظام‌مند مشاوره‌ای منجر به تشدید آسیب‌هایی نظیر افسردگی در میان مطلقه‌ها می‌گردد، عواملی نظیر بالاتر بودن سن امید به زندگی در میان زنان نسبت به مردان، بالا رفتن



معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده در مهرماه ۱۳۹۴، یک‌سوم کارتن خواب‌های تهران را زنان تشکیل می‌دهند که به معنای حضور حدود ۵ هزار کارتن خواب زن در میان ۱۵ هزار کارتن خواب پایتخت است. هر چند برخی از مسئولین شهرداری تهران این میزان را پایین‌تر دانسته و حدود ۲ هزار نفر برآورد کرده‌اند، اما وجود همین تعداد از زنان بی‌خانمان نیز می‌تواند منشأ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی باشد، به ویژه آنکه بر اساس اعلام معاون توسعه خدمات اجتماعی سازمان رفاه شهرداری تهران، بسیاری از آنها معتاد هم هستند. به گفته همین مقام مسئول، محدوده سنی زنان کارتن خواب در سال‌های اخیر کاهش یافته، به طوری که از ۴۵ سال در سال ۱۳۹۰ به حدود ۳۲ سالگی رسیده است. در همین ارتباط، رئیس سازمان بهزیستی کشور نیز چندی پیش اعلام کرده بود سن زنان خیابانی در کشور همه ساله در حال کاهش بوده و هم‌اکنون ۳۸ درصد زنان خیابانی زیر ۱۵ سال دارند. در تازه‌ترین خبر در این خصوص، مدیر کل بهزیستی استان تهران در مرداد ۱۳۹۴ از افزایش آمار دختران فراری در کشور خبر داده است. اگرچه اقداماتی نظیر تأسیس گرم‌خانه زنان برای نخستین بار در تهران گامی در جهت کاهش آلام و آسیب‌های این دسته از زنان است، اما بدیهی است در صورت عدم سامان‌دهی مناسب، این گروه از زنان هر لحظه در معرض آسیب‌های مختلف بوده و متعاقباً جامعه را نیز با آسیب‌های مختلفی مواجه خواهند ساخت که همان‌طور که رئیس سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی شهرداری تهران تأکید می‌کند، در مواردی نظیر ایدز، کودک بدون شناسنامه و هیتیت نمود می‌یابد. در حال حاضر و به ویژه به خاطر فرار سیدن فصل سرما، برنامه‌های ویژه‌ای از سوی سازمان‌های ذی‌ربط برای سامان‌دهی به این دسته از زنان اجرا می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها راه‌اندازی یک مددسرا به ظرفیت ۳ هزار نفر از سوی شهرداری تهران است که برخی خدمات ضروری بهداشتی و مشاوره‌ای را در اختیار زنان بی‌خانمان خواهد گذاشت. از دیگر راه‌کارهای کاهش آسیب‌های مرتبط با بی‌خانمان‌ها، طرح عقیم‌سازی برخی از زنان کارتن خواب است که به علت پیچیدگی کار، باید مراجع فرادستی حکم قانونی در این خصوص صادر کنند و مراجع دینی و شرعی نیز در مورد این موضوع وارد شوند.

روابط نامشروع و روسپی‌گری نیز یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در مرز بین جرم و آسیب قرار گرفته است. با توجه به حساسیت موضوع و دشواری تحقیق بر روی آن، آماری از تعداد روسپی‌ها در کشور وجود ندارد، اما بر اساس گزارش‌های غیر رسمی و پراکنده، میزان روسپی‌های متأهل در تهران بیشتر از روسپی‌های مجرد برآورد شده که در این میان، تعداد قابل توجهی از آنها با اطلاع همسرانشان دست به این کار می‌زنند. اهمیت این موضوع به حدی است که دادستان تهران در شهریور ۱۳۹۴ با

میزان طلاق در جامعه و افزایش سن ازدواج و فارغ التحصیلی دختران از دانشگاه‌ها، جامعه ایرانی را به طور روزافزونی با خانوارهایی مواجه می‌سازد که سرپرستی آن‌را زنان بر عهده دارند. به همین دلیل است که میزان ۹/۵ درصدی خانواده‌های دارای سرپرست زن در سال ۱۳۸۵، در عرض ۵ سال بیش از دو نیم درصد افزایش داشته و به بالاتر از ۱۲ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، افزایش میانگین سنی ازدواج در دهه‌های اخیر، از دیگر تغییرات ایجادشده در الگوی ازدواج در کشور است که موجب کاهش میزان ازدواج در کشور شده است. از سوی دیگر، به علت مهاجرت پسران از روستاها و شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر، این امر موجب برهم خوردن توازن جنسیتی در نقاط روستایی و شهری شده است. طبق آمارها و برآوردها، نسبت تجرد در مناطق شهری ۳۷ و در مناطق روستایی ۳۵ است که این امر به معنای از بین رفتن توازن جنسیتی در روستاها و شهرهاست. به عنوان مثال، در حالی که در شهر تهران به ازای هر ۱۰۰ زن یا دختر، ۱۲۰ مرد یا پسر سکونت دارند، این امر در روستاها برعکس بوده و به ازای هر ۱۰۰ دختر یا زن، ۹۰ پسر یا مرد سکونت دارد. بدیهی است این امر در صورت تداوم، موجب کاهش ازدواج و زاد و ولد روستایی شده و به تدریج روستاها را از جمعیت جوان و مولد خالی خواهد ساخت؛ واقعیتی که هم‌اکنون بسیاری از روستاهای کشور به رغم صرف هزینه‌های بسیار برای توسعه زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی نظیر جاده مناسب، آب، برق، گاز و تلفن با آن مواجه هستند.

زنان بی‌خانمانی، کارتن خوابی و روسپی‌گری
عدم برخورداری از سکونتگاه مناسب از جمله عواملی است که در گام نخست زنان را و نتیجتاً کل جامعه را در معرض آسیب‌های فردی و اجتماعی قرار می‌دهد. بر اساس برآورد غیر رسمی



ابراز تأسّف از تخریب چهره پایتخت و برخی اتوبان‌های پر تردد به خاطر آنچه ایشان حضور زنان «آسیب‌دیده» نامید، از سازمان بهزیستی درخواست کرد زنان تن فروش را از خیابان‌های تهران جمع‌آوری کند.

سلامت روانی و جرایم خشونت‌آمیز

سلامت روانی آحاد شهروندان نقشی بی‌بدیل در تأمین امنیت تمام اجتماع ایفا می‌کند، به طوری که بسیاری از روان‌پزشکان، ۷۵ درصد سلامت جسمانی یک انسان را ناشی از عملکرد بهینه روان وی می‌دانند. به رغم این واقعیت، بنا به اعلام چندی پیش رئیس سازمان نظام روان‌شناسی کشور، سلامت روانی مردم ایران در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مختلف از اولویت مطلوبی برخوردار نبوده و بودجه اختصاص یافته به این حوزه به اندازه یک‌سوم بودجه سلامت است. بر اساس آخرین گزارش‌ها، حدود ۲۱ تا ۲۵ درصد ایرانیان دارای نوعی از افسردگی یا بیماری روانی هستند که این میزان برای تهرانی‌ها ۳۴ درصد برآورد شده است. نشانه‌های سطح پایین سلامت روانی ایرانیان را می‌توان در آمارهای بالای نزاع و جرایم خشونت‌آمیز مشاهده کرد. در یکی از تازه‌ترین رویدادها در آبان ۱۳۹۴، پلیس پایتخت در عرض ۲۴ ساعت، ۲۶ باند خلاف کار شامل ۱۴۳ سارق و زورگیر را دستگیر کرد. بر اساس اعلام فرمانده پلیس تهران بزرگ، ۹۰ نفر از افراد مزبور سابقه‌دار بودند. نکته بسیار قابل تأمل آنکه، ۲۴ نفر از افراد دستگیر شده (نزدیک به ۲۰ درصد از آنان)، تحت عنوان مأمور پلیس اقدام به سرقت از داخل خودروی شهروندان می‌کرده‌اند. اگرچه نمی‌توان این نسبت را به کل مجرمان تعمیم داد، اما وجود این تعداد از مجرمانی که عنوان پلیس را برای انجام اعمال خلافکارانه جعل کرده‌اند، در میان همین گروه بازداشتی اخیر می‌تواند نشانه‌ای از تغییر در روند تاکتیک‌های مورد استفاده خلاف کاران باشد. بدیهی است این پدیده، نیروی پلیس را در کنار وظیفه برقراری امنیت برای شهروندان، با ضرورت دیگری نیز مواجه می‌کند که عبارت است از صیانت از جایگاه پلیس در جامعه؛ چرا که ممکن است بسیاری از شهروندانی که مورد تعرض این مجرمان پلیس‌نما قرار گرفته، اما از جزئیات بازداشت آنها باخبر نشده‌اند، تصویری مخدوش از نیروی پلیس داشته باشند که نتیجه آن بی‌اعتمادی و عدم همکاری با پلیس بوده و زدودن آن نیز سال‌ها وقت می‌برد.

نتیجه‌گیری

با اندک تأملی در آمار و تحولات مربوط به آسیب‌های اجتماعی در کشور، می‌توان مشاهده کرد که اغلب آنها که در واقع مؤلفه‌های سازنده امنیت اجتماعی هستند، نه تنها روند مطلوبی ندارند، بلکه به شکل فزاینده‌ای سیر

منفی دارند. به عنوان مثال، همان‌طور که مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور اعلام کرده‌اند، متوسط سن اعتیاد از ۲۳ سال در سال ۱۳۸۳، به ۲۱ سال در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته و بر اساس تازه‌ترین آمارها، نرخ شیوع مصرف هم‌اکنون به سن ۱۵ سالگی رسیده است. این روندهای نامطلوب، در صورت عدم توجه فوری و پایدار سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان می‌تواند به تهدید و بحران اجتماعی منجر شده و نهایتاً جامعه را با فروپاشی مواجه سازد. بدیهی است به موازات افزایش آسیب‌ها، احساس ناامنی و بی‌پناهی در جامعه نیز رشد کرده و علاوه بر ایجاد اختلال در کارکردهای گروهی و فردی آحاد شهروندان، همچنین حس ضعف دولت و نظام سیاسی را در اذهان تقویت خواهد کرد. بررسی ریشه‌ها و عوامل زاینده آسیب‌ها و طراحی راهبردهای فرهنگی و اجتماعی، قضایی و انتظامی برای کنترل و کاهش آسیب‌ها خواهد توانست امنیت عمومی و اجتماعی را ارتقا داده و زمینه عملکرد بهینه شهروندان و نهادهای اجتماعی را فراهم سازد.

استفاده بیشتر از ظرفیت‌های تبلیغاتی شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد برای راه‌اندازی کمپین‌های مختلف می‌تواند سازمان‌های ذی‌ربط را در پیشبرد سیاست‌های مربوطه یاری کند. از سوی دیگر، افزایش هماهنگی میان نهادهای ذی‌ربط، نظیر آنچه گه‌گاه در رابطه با موضوع بی‌خانمان‌های شهر تهران میان سازمان بهزیستی، شهرداری تهران، نیروی انتظامی ضعیف به نظر می‌رسد نیز می‌تواند امر پایش و کنترل آسیب‌ها را آسان‌تر سازد. از سوی دیگر، به رغم اینکه در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای سامان‌دهی و بهبود نظام آماري کشور صورت گرفته، این حوزه هنوز کماکان نیازمند بهبود بوده و راه‌اندازی سامانه‌ای یکپارچه و به‌روز برای پایش و گزارش‌دهی متمرکز و قابل اتکا از روندهای تغییر یابنده آسیب‌های اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد.

